

نظری بخط خوشنویسی

نقش آن در فرهنگ و هنر ایران

محمدحسن سمار
موزه دار موزه هنرهای تزئینی

نظری کوتاه به نقشی که خط در فرهنگ و هنر بشر دارد، ارج و ارزش آنرا بر ما روشن می‌کند. براه گراف نرفته‌ایم اگر خط را ما در همه دانشها و دانستیهای بشر بدانیم. زیرا اگر خط نبود که بتوان دانشها و دانستیها را بوسیله آن نوشت، و از دستبرد زمان نگاهداشت، گنج بزرگ دانش امروز بشر را گردیاد مهیب زمان و رویدادهای گوناگون آن از میان برده بود. بدین سان پیدایش خط را باید یکی از بزرگترین رویدادهای تمدن بشر دانست. رویدادی که هر چه زمان بیشتر بر آن بگذرد ارزش و اهمیت آن روشن‌تر می‌گردد. نیازی به گفتن نیست که فرهنگ امروز بشر دارای ریشه‌های عمیق چند هزار ساله است، و تلاش و تفکر میلیونها بشر دست بدست هم داده تا دانش بشر را بدین پایه رسانده است. انتقال این میراث گرانبها که هر روز بارورتر و بارورتر می‌شود، چگونه انجام پذیرفته است؟ این سؤالی است که تنها یک جواب دارد. از راه نوشتن.

آیا همین سؤال و جواب کوتاه برای نشان دادن ارج و ارزش خط بسنده نیست؟ اگر حاصل تجربیات و تفکرات هزاران هزار دانشمند و متفکر و فیلسوف روزگار گذشته، امروز در دسترس ما نبود، بشر ناگزیر به دوباره آزمودن، آزموده‌های گذشته می‌گردید، و پیداست که از این رهگذر چه فرصتهای گرانبهائی تباہ میشد. شاید امروز کمتر کسی در این اندیشه نباشد که خط دارای چه ارزش گرانبهائی است. زیرا هزاران سال است که خط یا فرهنگ بشر در آمیخته و جزء جدائی ناپذیر آن شده است. اما مطالعه برخی از رشته‌های دانش، سبب می‌گردد که گاهی به این ارج و ارزش توجه بیشتری گردد. از جمله این دانشها باید از تاریخ و باستان‌شناسی و تاریخ هنر نام برد. امروز وقتی سنگ نبشته‌ها، لوحها و خطوط نقش شده بر آثار باستانی مورد بررسی قرار می‌گیرد و خوانده می‌شود، می‌بینیم که بسیاری از آنچه تاریکی گذشت سده‌های بسیار از دیده ما پنهان داشته، روشن می‌گردد.

در حفريات باستان‌شناسی، پر ارج‌ترین اشیاء، سنگ نبشته‌ها و یا اشیائی است که حاوی خط باشد. زیرا این گونه اشیاء پیش از دیگر اسناد روشنگر گوشه‌های تاریک تاریخ گذشتگان است. با شناخت ارج و ارزش خط از نظر حفظ میراث‌های معنوی، و فرهنگ و دانش بشر، بایستی به این اصل مهم توجه کرد که خط بدان سبب پدید آمد که وسیله‌ای برای نمایش و ضبط و مبادله فکر و دانش باشد. تنها از این راه جاویدان ساختن افکار و دانشهای بشری مقدور بود، و هدف نهائی از پیدایش خط از دیرترین زمانها و در میان تمام ملتها همین بوده و امروز نیز چنین است.



راست : خط تلت و نسخ و رقاع - عبدالله مر اورید بیانی ۹۱۴ هـ
چپ : خط نستعلیق خواجه اختیارالدین منشی

در ایران ما علاوه بر سودی که گفته شد، خط بعنوان يك رشته از هنرهای زیبا مورد استفاده مردم هنردوست ایران قرار گرفته، و هنرمندان بلندآوازه‌ای در این رشته پدید آمده‌اند. برای دریافت علل پیدایش چنین وضعی باید کمی به عقب برگردیم. پس از فروافتادن شاهنشاهی ساسانی، و اسلام پذیرفتن مردم ایران، بسبب نیازهای مذهبی و سیاسی خط عربی وارد فرهنگ و تمدن ایران گردید. ایرانیان مسلمان شده به قرآن که کتاب مذهبی تازه بود نیازمند بودند و قرآن نیز بخط کوفی نوشته میشد. بناچار بایستی خط کوفی را بیاموزند و بخوانند. خط کوفی، خطی مشکل از نظر خواندن و نوشتن بود و با ذوق ایرانیان سازگاری نداشت. بزودی این خط جای خط پهلوی را که خط ملی ایران بود گرفت. اما نباید زیاد برد که خط پهلوی نیز بکلی بدست فراموشی سپرده نشد. بلکه تا چند سده بعد از فروافتادن ساسانیان در گوشه و کنار ایران، بویژه در کرانه دریای مازندران به زندگی خود ادامه داد. مدتی در حدود پنج سده خط کوفی خط معمول برای نوشتن قرآن و کتیبه‌های تزئینی بناها و یا وسیله تزئین اشیاء در ایران بود. در این مدت برای نوشتن کتاب یا دیگر نوشتنی‌ها، از نوعی خط شبیه به نسخ که در نگارش به تعلیقی که بعدها وضع گردید بی‌شبهت نبود استفاده میشد. در سده‌های نخستین که خط عربی بصورت مهمان تازه وارد و ناخوانده به ایران پا گذاشت

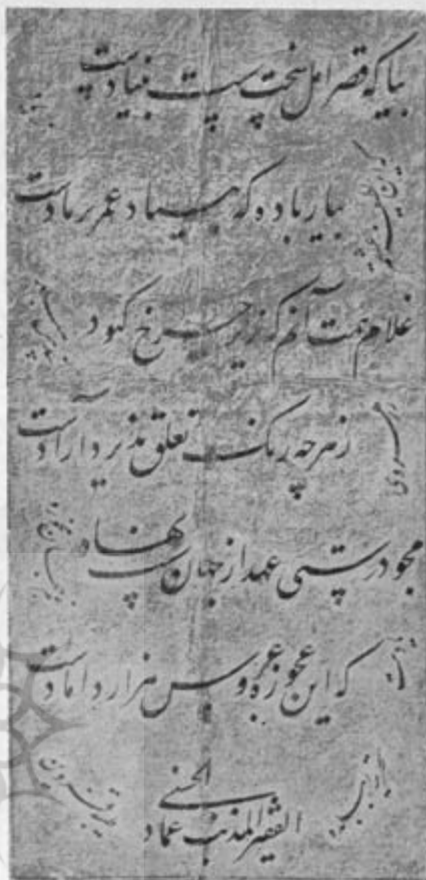
به هنر خوشنویس کمترین توجهی نمیشد. زیرا ایرانیان بخط عربی نیز چون خود اعراب به چشم بیگانه می‌نگریستند. تازیان نیز دارای آن فرهنگ و هنری نبودند که بتوانند خود دست به‌ابتکار تازمای در ایجاد خط بهتر و زیباتری بزنند. نیازی نیز به این کار حس نمی‌کردند. زیرا ثروت و نعمت و زیبایی سرزمین ایران چنان بود که گوئی آنها به بهشت موعود رسیده‌اند، و تنها فکر آنها سود بردن هر چه بیشتر از این بهشت بود. از اواخر سده دوم و آغاز سده سوم این وضع دگرگون شد. روی کار آمدن عباسیان بوسیله ایرانیان و رنگ ایرانی گرفتن خلافت عباسی و قدرت یافتن برآمکه، ایرانیان را بخط تازه علاقمند ساخت و حس بیگانگی با آن رویه کاهش رفت. در این هنگام بود که ایرانیان بفکر افتادند از خط موجود، خط زیبایی بسازند که راضی‌کننده روح زیباست آنها باشد. گذشته از آن میدانیم که یکی از ویژگی‌های تمدن و فرهنگ ایران زمین در گذشته، همواره این اصل مهم بوده که هر عامل بیگانه را در خود تحلیل برده و به‌آن رنگ و جلای ایرانی دهد، و خود هرگز رنگ بیگانه بخود نگرفته است. خط نیز

راست : خط نستعلیق میرعلی هروی وسط : خط نستعلیق سلطان علی مشهدی چپ : خط نستعلیق سلطان محمد خندان





خط شکسته درویش عبدالمجید طالقانی



خط تعلیق میرعمادالحسنی

در دوره اسلامی از این اصل اساسی برکنار نماند. بزودی ایرانیان همان گونه که در تمام شئون زندگی مادی و معنوی، و آداب و رسوم، (حتی خوراک و پوشاک) تازیان را تحت تأثیر خود گرفتند، تا جایی که دربار خلفای عباسی نمونه بارگاه شاهنشاهان ساسانی گردید، با خط عربی نیز چنین کردند. همانگونه که برای لغت و زبان عربی قواعد و دستور نوشتند، برای خط نیز قواعد و قوانین تازه وضع کردند.

پشاهنگ و مشوق این کار بزرگ برمکیان ایران پرست و نامور بودند. سرانجام در پایان سده سوم و آغاز سده چهارم چهارم درخشانی چون محمدبن علی الفارسی (ابن مقبله) وزیرالمقتدر، درعالم خوشنویسی جلوه گرشد. با ظهور ابن مقبله خط وارد مرحله تازه‌ای گردید. این مرحله نخستین و مهمترین گام در راه تکامل خط و پیدایش گونه‌های جدیدی از آن گردید. و این آغاز یک جنبش بزرگ و پیدایش هنر خوش‌نویسی بود که در سده‌های بعد به اوج کمال رسید.

این‌مقله چهارم‌ای درخشان و شاهدهی بود بر برتری فرهنگ و هنر ایران بر قومی که به ظاهر بر ایرانیان پیروز شده بود. اما به راستی اسیر سربندهای نیرومند فرهنگ و هنر و کشورداری ایرانیان بود.

ظهور این‌مقله باردیگر برتری ایرانیان را بر تازیان فخر فروش و خودپسند ثابت کرد. اگرچه سرنوشت او نیز چون دیگر مردان نامدار پهنه سیاست و علم و هنر و بیگار مانند ابومسلم، این‌منفع و برامکه که نبوغ خود را در خدمت تازیان حق‌ناشناس گذارند، دردناک و خون‌آلود است، اما چنانکه گفتم این آزمون تازه‌ای بود که برتری ایرانیان را به ثبوت رساند.

این‌مقله از مردم بیضای فارس بود و در علوم زمان خود چون فقه و تفسیر و ادبیات و شعر و ترسل یگانۀ زمان خویش بشار می‌آمد. وی که دشواری خط کوفی را برای ایرانیان و دیگر مردم مسلمان دریافته بود، دست بکار ایجاد خط تازه‌ای گردید و خطوط محقق، ریحان پس‌آنگاه ثلث و سرانجام نسخ را که نسخ‌کننده همه خطوط در سهولت نگارش بود ایجاد کرد. خط رقع را نیز از ابتکارات او دانستند.

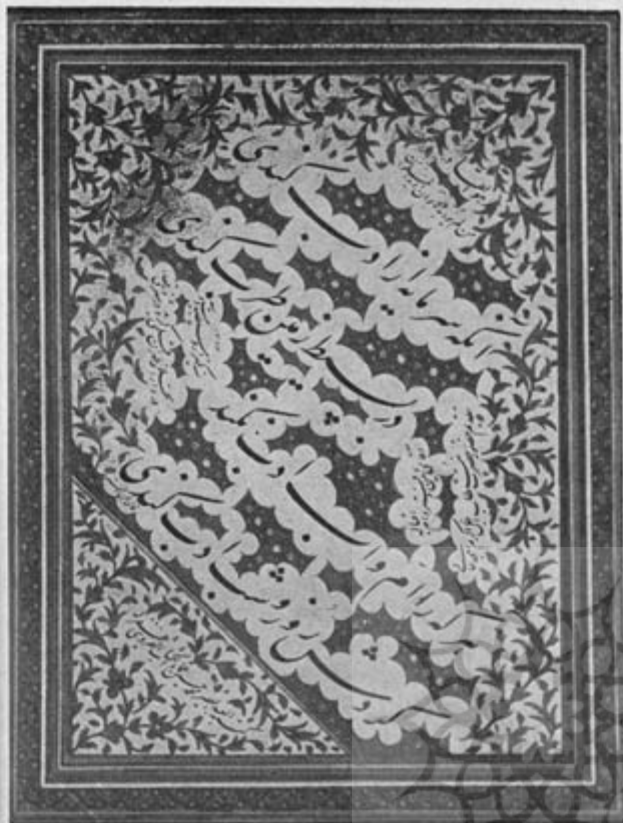
این‌مقله به سال ۲۷۲ هجری چشم بدنیاگشود و زندگی پر نشیب و فرازی را پشت سر گذاشت. مدتی حکمران پاره‌ای از ولایات فارس بود. سه بار به وزارت رسید و پیروزگار خلیفه ستمگر الراضی بالله، در پی سخن‌چینی دشمنان مورد خشم خلیفه قرار گرفت و دست راست او را بریدند. او زمانی با دست چپ و سپس با بستن قلم بر بازوی بریده به نوشتن پرداخت. اما دشمنان باز از او دست برنداشتند، تا سرانجام او را به زندان افکندند و به سال ۳۲۸ ه. وی را به قتل رساندند. چنین بود سرنوشت مردی که نخستین خطوط خوش را ایجاد کرد و نخستین قواعد خوشنویسی را پدید آورد.

پیروی از مکتب هنری این ایرانی پاک‌نهاد بود که سبب درخشش چهره‌های تابناکی چون ابن‌بواب (درگذشته سال ۴۲۳ ه.) و یاقوت مستعیمی (درگذشته سال ۶۸۷ ه.) گردید. ایرانیان کار تغییر و تحول در خط و ایجاد خطوط تازه را همچنان ادامه دادند. در میانه سده هشتم هجری بتدریج سه نوع خط تازه ایجاد گردید که کاملاً رنگ ایرانی داشت، و حتی تأثیر خطوط پهلوی و اوستائی، یعنی خطوط دینی و ملی ایرانیان در آن دیده می‌شد. این سه خط بکلی از رنگ و شیوه عربی تهی و کاملاً فارسی بود. شکل الفبای این سه خط با الفبای عربی تفاوت بسیار داشت. (اگرچه هم‌ریشه با خط عربی بودند) این سه خط عبارت بودند از تعلیق، نستعلیق و شکسته تعلیق.

ظهور خوشنویسان و استادان بسیار، این سه خط را به اوج زیبایی رساند. تاجایی که در کشورهای نزدیک چون عثمانی و هندوستان و کشورهای دور چون مصر مورد تقلید قرار گرفت. نامورترین خوشنویس خط تعلیق اختیارالدین منشی‌گنابادی است. در نیمه دوم سده هشتم خط نستعلیق یعنی معروف‌ترین خط ایرانی رواج یافت. تبریز و هرات دو مرکز مهم رونق گرفتن این خط بودند. بیشتر مورخین و تذکره‌نویسان میرعلی تبریزی را واضع و ایجادکننده این خط میدانند.

نستعلیق از ترکیب دو خط تعلیق و نسخ بوجود آمده و در آغاز آنرا «نسخ تعلیق» می‌خواندند و سپس به صورت نستعلیق درآمد است.

خط نستعلیق نشانه‌ای از طبع و ذوق زیباپرست و زیباپسند ایرانی، و بی‌شک زیباترین و ظریف‌ترین خط فارسی است. اگرچه جمعی را عقیده بر این است که خط نستعلیق پیش از میرعلی تبریزی «واضع» وجود داشته است، اما آنچه مسلم است وی نخستین کسی است که خط را به صورت مستقل و با قاعده درآورده است. مرگ میرعلی تبریزی را سال ۸۵۰ هجری نوشته‌اند. از خوشنویسان دیگر نستعلیق که تعداد آنها بسیار زیاد است باید از میرزا جعفر تبریزی ملقب به بایستقری، اظهر تبریزی، سلطان‌علی مشهدی، سلطان‌محمد خندان، سلطان‌محمد نور، میرعلی هروی و سرانجام مشهورترین آنان میرعماد حسنی سیفی را نام برد.



خط نستعلیق محمدحسین عمادالکتاب



خط نسخ احمد لیریزی

روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

نام میرعماد با خط نستعلیق بنحو جدائی‌ناپذیر با هم آمیخته است. میرعماد ظاهراً به سال ۹۶۱ چشم به جهان گشوده و به سال ۱۰۲۴ بهروزگار شاعری بزرگ دراصفهان کشته شد. میرعماد هنرمندی بنام و انسانی به کمال بود. درنوشتن نستعلیق دردرجه‌ای ازبلندی مقام قرار دارد که نه دستی پیش از او بهتر نوشته، و گمان نمی‌رود که پس از او نیز مادر دهر فرزندی با چنین دستهای هنرمند برآید. شیوه کار میرعماد و آنچه او در نستعلیق نویسی وضع کرده است هنوز بدون کم و کاست دنبال میشود.

شکسته نستعلیق از اواخر دوره صفویه متداول گردید. اما به سبب مشکلی نگارش و خواندن کم کم از رونق افتاد و به صورت شکسته درآمد.

در میان معروفترین شکسته‌نویسان چهره درویش عبدالمجید طالقانی از همه تابناکتر است. وی در عمر کوتاه خود آثار بسیاری بجای گذاشته که امروزه بخش موزه‌ها و کتابخانه‌ها و مجموعه‌های خصوصی است. درویش عبدالمجید به سال ۱۱۸۵ به سن سی و پنج سالگی دراصفهان درگذشت.

هنر خوشنویسی از آغاز سده دوازدهم به انحطاط گرائید و از این زمان بعد تعداد خوشنویسان همواره کمتر و کمتر شدند. تاجائی که در مدت دوسده تنها به نام تعداد انگشت شماری خوشنویس نامور برمیخوریم. در طول سده ۱۳ جنبش دیگری در هنر خوشنویسی پدید آمد. این جنبش بویژه در خط نسخ دیده میشود. ظهور خوشنویسانی چون وصال شیرازی، اشرف الکتاب اسفهان، علیرضا پرتو کار نسخنویسی را بکمال رساند.

در نیمه آخر سده سیزدهم خوشنویسانی چون میرزا اسدالله شیرازی، داوری (پروصال) حاج میرزا فضل‌الله و میرزا ابوالفضل ساوجی، میرزا غلامرضا اسفهان، میرزا محمد رضا کلهبر، میرزا محمد حسن کاتب شیرازی به کار نستعلیق نویسی جانی تازه بخشیدند. اما این دولت مستعجل دیری نپایید و در سده ۱۴ هجری این انحطاط تشدید شد. ظهور چهره تابناکی چون میرزا محمد حسین عمادالکتاب، و اسپین نستعلیق نویس توانای ایران نیز نتوانست جلوی این فروافتادن را بگیرد.

آنچه گذشت نظری کوتاه به سیر خوشنویسی خط فارسی و پایداری از برخی از خوشنویسان نامدار ایرانی بود. اما نقشی را که خط فارسی در تمدن و هنر ایران و کشورهای دیگر دوروز دیگر ایران داشته است بهمین جا پایان نمی‌پذیرد. همانگونه که زبان فارسی از طرفی تا سراسر هند و چین و خاور دور و از سویی تا آسیای میانه و از جانی تا مصر و دیگر کشورهای افریقا چون زنگبار رفت، خط فارسی نیز بناچار با زبان فارسی به دورترین نقاط جهان برده شد و نماینده تمدن و هنر ایران گردید و بناهای بزرگ و باشکوه را زینت بخشید. در ایران بزرگ که کانون خوشنویسی بشمار می‌آمد خط به صورت یک هنر اصیل بویژه از جنبه تزئینی مورد توجه قرار گرفت. بنحوی که به صورت کاملترین و زیباترین هنر تزئینی جلوه‌گر شد. هیچ یک از ساخته‌های دستی هنرمندان ایرانی از تزئینات خطی بی‌بهره نماند. خط به صورت عامل تزئینی در بناها، ساخته‌های فلزی، پارچه‌بافی، سفال‌گری، ساخته‌های چوبی و به گفته دیگر بر همه چیز خودنمایی کرد. این زاده ذوق لطیف و خوی هنر پرور و زیباپسنده ایرانی بود. این توجه شدید به تزئین آثار بوسیله خط در ایران بزودی باوج کمال رسید. و این بدان سبب بود که با ورود مذهب اسلام به ایران، و پذیرفته شدن این دین بوسیله مردم ایران، هنر نقاشی به سبب پامای عقاید مذهبی برای مدت کوتاهی بدست فراموشی سپرده شد، و بجای آن در تزئین اشیاء از خط استفاده گردید. چون از این زمان خط به صورت عامل تزئینی درآمد به خوشنویسی توجه بیشتری شد.

شاید بتوان ریشه خوشنویسی، و رواج و رونق آنرا بوسیله ایرانیان همین عامل زیباپسندی دانست. زیرا چنانکه گفتیم ایرانیان چون اسلام را پذیرفته بودند، بناچار خط عربی را نیز که از نظر مذهبی و سیاسی به آن نیاز داشتند پذیرفتند. در آغاز قبول این امر تا اندازه‌ای دشوار بود. اما چون قدرت سیاسی نردستگاه خلافت بدست ایرانیان افتاد آن دشواری قبول خط عربی نیز از میان رفت، و ایرانیان گوشیدند تا از خط ناموزون و سخت و خشن تازی که در خور بیابانها و ریگزارها بود، خطی لطیف و زیبا و ایرانی‌پسند پدید آورند. و چنانکه دیدیم چنین کردند، تا بدانجا که خطوطی کاملاً ایرانی پدید آمد. خطوطی که سده‌های بسیار است زبب بناهای تاریخی و اشیاء و آثار هنری وطن ما است. بی‌تردید هیچ چشمی نیست که از دیدار کتیبه‌های خوش خطی که بر کاشیهای فیروزه‌ای رنگ مساجد، و گنبدها و گلستانه‌های سراسر وطن ما نقش گردیده است، لبریز از لذت و شگفتی نشده باشد. و این حاصل ذوق و تلاش هزاران هزار هنرمند ایرانی است که در طی سده‌های بسیار در راه بزرگداشت هنر وطن خویش فداکاری کرده‌اند.

یادشان گرامی باد هر چند از کالبد خاکی آنان اثری باقی نیست.

باری نظر به خاک عزیزان رفته کن
باری نظر به خاک عزیزان رفته کن
آن پنجه کمانکش و انگشت خوشنویس
تا مجمل وجود بیینی مفصلی
هر بندی اوفتاده بجائی و مفصلی